خبر

پیام تبریک روحانی و جهانگیری به مناسبت عید سعید قربان

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری در پیام‌های جداگانه به سران کشورهای اسلامی ضمن تبریک فرارسیدن عید سعید قربان، ابراز امیدواری کرد که سران کشورهای اسلامی در پرتو اراده و مساعی مشترک بتوانند موجبات وحدت و یکپارچگی روزافزون جهان اسلام را فراهم آورده و با اتخاذ تدابیر مناسب شاهد کنترل و غلبه بر کووید ۱۹ باشیم که گریبان‌گیر بشر امروز شده است. روحانی در این پیام تبریک تأکید کرد: «عید سعید قربان، جلوه‌گاه سرسپردن در برابر فرمان معبود و تجلی فضل و رحمت واسعه پروردگار و بالاترین و خالص‌ترین حد طاعت و بندگی در برابر خالق و شکوه ایثار و ایمان مخلوق است». رئیس‌جمهور همچنین در ادامه این پیام اظهار امیدواری کرد که همه مسلمانان جهان به یمن و برکت این عید فرخنده و با تمسک به آموزه‌های رفیع دین مبین اسلام بتوانند در مسیر قرب الهی گام بردارند. اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور هم در پیام‌هایی جداگانه به همتایان خود در کشورهای اسلامی، از عید سعید قربان به‌عنوان جلوه‌گاه اطاعت و بندگی محض در برابر فرمان الهی نام برد و ضمن تبریک این عید، از خداوند متعال برای ملت‌های مسلمان سعادت و سرافرازی مسئلت کرد.

استفتا از آیت‌الله سیستانی درباره مراسم عزاداری امام حسین (ع)

● **شفقنا:** حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی به پرسشی درباره مراسم محرم و مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) در ایام کرونا پاسخ دادند. متن پرسش و پاسخ به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله سیستانی (مُدّظلّه)،

السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

با نزدیک‌شدن به ماه محرم‌الحرام و فرارسیدن سالروز فاجعه کربلا و با توجه به ادامه وبای کرونا و تأکید مسئولان ذی‌ربط بر ضرورت پرهیز از برپایی تجمعات بزرگ به‌خصوص در فضاهای سرپوشیده، بسیاری از مؤمنان که تمایل بسیاری به ادامه برپایی مراسم معمول عزاداری دارند، از آنچه سزاوار است نسبت به برگزاری مراسم سوگواری حضرت سیدالشهدا (صلوات‌الله علیه) و خاندان و یاران آن حضرت (علیهم‌السلام) انجام دهند، سؤال می‌کنند. مستدعی است در این زمینه راهنمایی فرمایید. با تشکر فراوان. جمعی از مؤمنان - نجف اشرف

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علی الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و رحمه‌الله و برکاته

برای ابراز غم و اندوه در این مناسبت دردناک و اظهار همدردی با پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاک آن حضرت در این مصیبت بزرگی که به اسلام و مسلمانان وارد شده است، راه‌های مختلفی وجود دارد که ازجمله موارد زیر است: ۱ـ افزایش قابل توجه در پخش مستقیم مجالس حضرت اباعبدالله (علیه السلام) از طریق شبکه‌های تلویزیونی و فضاهای اینترنتی؛ برای این منظور شایسته است که مراکز و مؤسسات دینی و فرهنگی با خطیبان برجسته و مداحان توانا هماهنگی به عمل آورند و نیز مؤمنان را تشویق کنند تا در خانه‌های خود و جاهایی مانند آن، به برنامه‌های سخنرانی و مداحی گوش فرا داده و از آنها استفاده کنند. ۲ـ برگزاری مجالس خانگی در ساعت‌های معینی از شب یا روز، به گونه‌ای که تنها افراد خانواده و کسانی که با ایشان رفت‌وآمد دارند، در آن حضور یابند و به برخی از برنامه‌های عزاداری، هرچند مجالسی که به‌صورت مستقیم از شبکه‌های ماهواره‌ای یا در فضاهای اینترنتی پخش می‌شود، گوش بسپارند. اما در مجالس عمومی، باید همه ضوابط بهداشتی با دقت تمام رعایت گردد؛ بدین معنا که فاصله اجتماعی بین حاضران منظور شود و ماسک‌های بهداشتی و دیگر لوازم بازدارنده از گسترش ویروس کرونا مورد استفاده قرار گیرد. در این مورد همچنین لازم است به تعداد مجاز حاضران برابر با ضوابطی که مقامات ذی‌ربط تعیین می‌کنند، اکتفا شود که البته این موضوع با توجه به برگزاری مراسم در فضاهای سرپوشیده یا باز، و بسته به میزان گسترش ویروس در شهرهای مختلف، تفاوت دارد.

۳- پخش و توزیع پردامنه نمادهای عاشورایی و برافراشتن پرچم‌ها و قطعات سیاه‌رنگ در میدان‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها و دیگر فضاهای عمومی، با رعایت عدم تعرض به حرمت اموال و املاک خصوصی و مانند آن و تبعیت از قوانین جاری در کشور. البته مناسب است که در این نمادها، بخش‌هایی از سخنان حضرت امام حسین (علیه السلام) در نهضت بزرگ اصلاح‌طلبانه آن حضرت و شاهکارهای اشعار و متون گفته‌شده درباره فاجعه کربلا آورده شود. در زمینه خوراکی‌های مرسوم به این مناسبت، ضرورت دارد که شرایط بهداشتی لازم در تولید و توزیع آنها مد نظر قرار گیرد؛ هرچند رعایت این مسائل موجب گردد که برای جلوگیری از شلوغی در زمان توزیع، تنها به تهیه غذای خشک و رساندن آن به خانه‌های مؤمنان بسنده شود. خداوند همه را در راه احیای این مناسبت مهم و اقامه عزای سرور جوانان بهشتی (صلوات‌الله و سلامه علیه) برابر با شرایط موجود موفّق بفرماید؛ انه ولیُّ التوفیق.

۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ هـ.ق. دفتر آقای سیستانی - نجف اشرف

براساس سند تازه منتشرشده

موافقت بنی‌صدر با درخواست رجوی

کانال تلگرامی مرکز اسناد انقلاب اسلامی سندی از همکاری بنی‌صدر و رجوی در سال ۱۳۵۹ را منتشر کرده است. در یکی از این اسناد به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ بنی‌صدر با درخواست رجوی برای تأمین حفاظت و سلاح منافقین موافقت می‌کند.

در نامه رجوی به بنی‌صدر آمده است: «جناب آقای دکتر بنی‌صدر ریاست‌جمهوری و فرمانده کل قوا، محترما به خاطر کثرت مشکلات و خطرات ایمنی که متوجه جان و سلامتی اینجانبان مسعود رجوی، مهدی ابریشم‌چی، موسی خیابانی و عباسعلی داوری و علی زرکش است؛ مستدعی است مجاز فرمایید اینجانبان هریک با یک برادر و یا (نفر) محافظ حق حمل سلاح برای حفاظت شخصی داشته باشیم. [ناخوانا] مدارک مخاطرات مزبور قبلا به دفتر ریاست‌جمهوری تقدیم شده است. با تشکر. مسعود رجوی ۵۹/۱/۳۱». بنی‌صدر هم ذیل همین نامه به‌سرعت و در همان روز نوشت که «موافقت می‌شود».

ردپای منافقین در اختلافات بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی

پیشینه ارتباط بنی‌صدر و مجاهدین به چه زمانی بازمی‌گردد؟ با رئیس‌جمهورشدن بنی‌صدر، ارتباط او با مسعود رجوی و شماری از اعضای سازمان منافقین نیز گسترده‌تر شد و بنی‌صدر عملا به پلی تبدیل شد برای نفوذ اعضای این سازمان به بدنه دولت و نهادها تا حدی که عناصر منافقین در نهایت توانستند دفتر رئیس‌جمهور را در آن دوران در اختیار خود بگیرند. از ابتدای تابستان سال ۱۳۵۹ درگیری بنی‌صدر با اعضای محوری حزب جمهوری اسلامی شروع شد (این حزب در ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد و در ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ فعالیت‌های خود را تعطیل کرد). متهم‌کردن آیت‌الله بهشتی، دبیر کل حزب جمهوری اسلامی، به طرح توطئه براندازی و پافشاری در عدم پذیرش نخست‌وزیری محمدعلی رجایی تا سرحد امکان، فقط بخشی از چالش او با شخصیت‌های انقلابی بود که پیروان امام خوانده می‌شدند. در درگیری‌های بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی که دیگر به صحنه تجمعات و سخنرانی‌های خیابانی تبدیل شده بود، ردپای اعضای سازمان منافقین نیز به چشم می‌خورد.

رد صلاحیت رجوی در انتخابات ریاست‌جمهوری

سران و عناصر مجاهدین خلق که با تحریم رفراندوم ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در واقع به قانون اساسی رأی نداده بودند، زمانی که قصد داشتند مسعود رجوی را به‌عنوان نامزد خود در انتخابات ریاست‌جمهوری معرفی کنند، با مخالفت امام خمینی (ره) روبه‌رو شدند؛ امام دستور داده بود کسانی که به قانون اساسی رأی نداده‌اند، حق شرکت در انتخابات را ندارند. سرانجام تلاقی جریانات مخالف خط امام به ۱۴ اسفند سال ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران رسید؛ جایی که به صحنه بزرگ‌ترین رویارویی جبهه متحد مخالف انقلاب با توده‌های انقلاب و مدافع امام تبدیل شد. این‌بار دیگر همه آمده بودند؛ جمعیتی عظیم که مانند انبار باروت هر لحظه احتمال انفجار داشت. جوانان دختر و پسر جلوی محل سخنرانی بنی‌صدر به هدایت شعارهای طرفداران بنی‌صدر می‌پرداختند. نظم و هماهنگی در شعارها و بعضا لباس‌های متحدالشکل آنها نشان‌دهنده انسجام تشکیلاتی بود.

تجمعی که بنی‌صدر قبل‌تر از آن یعنی ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ وعده آن را داده بود، با فرمان او برای مجازات مخالفان که آنها را اغتشاشگر می‌نامید،

به درگیری عظیمی تبدیل شد. چنین وضعیتی ادامه داشت تا آنکه براساس گزارش هیئت سه‌نفره متشکل از آقایان اشراقی، مهدوی‌کنی و یزدی مبنی بر عدم حمایت بنی‌صدر از جبهه‌های جنگ تحمیلی در نهایت سبب شد امام در حکمی خطاب به ستاد مشترک ارتش، بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار کند.

حمایت منافقین از کاندیداتوری بنی‌صدر

در اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی هرج‌ومرج در کشور حاکم شده بود، اتفاقی که برای یک انقلاب مردمی طبیعی بود. پس از تشکیل دولت موقت و تصمیم‌گیری درباره وضعیت ارتش، چگونگی برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی سومین بحث مورد توجه در بهمن و اسفند ۱۳۵۷ بود؛ شکل اساسی برگزاری رفراندوم که از سوی امام تعیین شده بود، مورد اعتراض برخی گروه‌های سیاسی چپ، از جمله سازمان منافقین قرار گرفت. گروه‌های مخالف اغلب خواهان افزودن گزینه «دموکراتیک» به جمهوری اسلامی در رفراندوم بودند، درحالی‌که امام فقط بر «جمهوری اسلامی» تأکید می‌کرد. مجاهدین که نمی‌توانستند برای انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد معرفی کنند، به حمایت از ابوالحسن بنی‌صدر پرداختند و بعد از رئیس‌جمهور شدنش توانستند در او نفوذ کنند و به اختلافاتش با دیگر مسئولان نظام از جمله اعضای حزب جمهوری اسلامی دامن بزنند.

۳۰ خرداد ۶۰ و اوج‌گیری مناقشات

جدی‌ترین تاکتیک سازمان برای آماده‌سازی براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی، ایجاد خط نفوذ در نهادهای حساس و تعیین‌کننده نظام انقلاب اسلامی از قبیل ریاست‌جمهوری، سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب اسلامی، وزارتخانه‌های مهم، نخست‌وزیری و حتی شورای امنیت بود. در بهمن و اسفند ۱۳۵۸ سازمان منافقین در تمامی شهرها نامزدهای را خود برای انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی معرفی کرد که با وجود تبلیغات گسترده، هیچ‌کدام از نمایندگان مجاهدین به مجلس راه پیدا نکردند. ناکامی‌های پی‌درپی سازمان در دستیابی به قدرت، واکنش‌های رادیکال‌تری از گروه را برانگیخت؛ به‌حدی که نزاع‌های خیابانی و اقدامات خشونت‌آمیز به حذف فیزیکی و اقدامات مسلحانه موردی این سازمان تبدیل شد؛ در چنین شرایطی نفوذهای تشکیلاتی و سازمان‌یافته مجاهدین خلق در نهادهای انقلابی، مراکز کارگری، دانشگاهی و دانش‌آموزی به‌شدت مورد حضور یافتند. ده‌ها هزار میلیشیا یا همان چریک‌های نیمه‌وقت، انبارهای بزرگ اسلحه، تهدید به قیام مسلحانه و راهپیمایی‌های بدون مجوز که اغلب با خشونت همراه بود، خبر از وضعیت بحرانی در کشور می‌داد. امام در سخنرانی‌های پی‌درپی به بنی‌صدر که دیگر اصلی‌ترین متحد منافقین محسوب می‌شد، هشدار می‌داد و بر پایبندی به قانون تأکید می‌کرد؛ سخنرانی ۱۸ خرداد ۱۳۶۰ امام درباره اقدامات بنی‌صدر و موئتلفان او آخرین اتمام‌حجت بود اما این سخنرانی هم برای بنی‌صدر و مجاهدین خلق کارساز نبود و آنها کار خود را ادامه دادند.

بسیاری از شهرهای بزرگ کشور در ۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۶۰ شاهد راهپیمایی‌های طرفداران منافقین بود که در رویارویی عناصر این سازمان با مردم به خشونت خونین انجامید. سرانجام در ۲۰ خرداد سال ۱۳۶۰ حکم امام مبنی بر عزل بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح صادر شد و به‌دنبال آن بنی‌صدر که در خانه‌های تیمی منافقین مخفی شده بود، در روز به‌همراه مسعود رجوی و به‌صورت مخفیانه ایران را به مقصد پاریس ترک کرد؛ اتفاقی که تأثیر مهمی بر تغییر رفتار علنی منافقین و شرایط سیاسی-امنیتی کشور گذاشت. رجوی و بنی‌صدر در فرانسه گروه موسوم به «شورای ملی مقاومت» را تشکیل دادند اما همکاری آنها در فرانسه از دو سال تجاوز نکرد.

فرار بنی‌صدر و رجوی از کشور

با فرار رجوی و بنی‌صدر به فرانسه، طولی نکشید که دختر ۱۸ساله بنی‌صدر به نام فیروزه به عقد مسعود رجوی درآمد. رجوی حدود یک سال پیش از ازدواج با دختر بنی‌صدر همسر خود یعنی اشرف ربیعی را در درگیری نیروهای سپاه با باقی‌مانده سران منافقین در ایران از دست داده بود. چندی از ازدواج مسعود و فیروزه نگذشته بود که آنها از یکدیگر جدا شدند. دختر بنی‌صدر بعد از جدایی در گفت‌وگویی علت طلاقش از رجوی را این‌گونه بیان کرد: «روابط نامشروع مسعود با رئیس دفترش مریم عضدانلو که در آن زمان همسر مهدی ابریشمچی بود و تعدادی از دختران اعضای مجاهدین من را وادار به گرفتن تصمیم طلاق از مسعود رجوی کرد». فیروزه بنی‌صدر همچنین با بیان اینکه عامل طلاق او از رجوی تفکرات دگم، هیستریک و روحیه قدرت‌طلبانه رجوی بوده، درعین‌حال برای توجیه ازدواج خود با رجوی تأکید کرده که ازدواج او معمولی بوده و هیچ ربطی به توجیه‌های ایدئولوژیک نداشته است.

علل اختلاف بنی‌صدر با رجوی در خارج از کشور

تبدیل‌شدن شورای ملی مقاومت به آلت دست سازمان مجاهدین خلق از یک طرف و رفتار دیکتاتورمآبانه رجوی باعث افزایش اختلاف‌های داخلی شورا و در نتیجه کناره‌گیری بعضی گروه‌ها و اعضای اصلی آن مانند بنی‌صدر و اطرافیانش، حزب دموکرات کردستان و دیگر گروه‌ها شد. عمده دلایل این تشتت و انشعاب‌ها عبارت بودند از ملاقات رجوی با طارق عزیز، وزیر خارجه رژیم بعث عراق در فرانسه که در نهایت به عزیمت سازمان و شورا به داخل خاک عراق منجر شد، مذاکرات حزب دموکرات کردستان با جمهوری اسلامی ایران، ازدواج مسعود رجوی و مریم عضدانلو، همسر مهدی ابریشمچی و ایجاد دیکتاتوری رسمی و آشکار توسط رجوی در شورا. این‌گونه بود که ارتباط بنی‌صدر با منافقین پس از خروج از کشور به آرامی رو به سردی نهاد تا حدی که دیگر بنی‌صدر با نیروهای منافقین عملا ارتباطی نداشت.

روزنه

روایت میرسلیم از اتفاقات پارلمان

رایزنی‌های گروهکی شایسته مجلس انقلابی نیست

● **ایرنا:** نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مجلس انقلابی نباید از فواید انتقاد علمی محروم بماند، بر نقش مشورت و خرد جمعی در انتخاب افراد شایسته تأکید کرد و گفت: آنچه تاکنون انجام گرفته، نتایج بسیار درخشانی نداشته است؛ باید با همفکری نمایندگان انقلابی مجلس قطعا اصلاح شود.

مصطفی میرسلیم درباره بی‌بهره‌ماندن اصولگرایان سنتی از تقسیم مناصب مجلس یازدهم گفت: در ۱۰ دوره گذشته مجلس، به‌تدریج رویه‌ای مرسوم شده است که تقسیم مناصب در مجلس با رایزنی‌های پشت پرده انجام می‌گرفت و حتی بسیاری از سابقه‌داران بر این تصور هستند که تقسیم مناصب راهی جز این نوع رایزنی‌های پنهانی ندارد و بدتر اینکه گمان می‌کنند پیشبرد امور مجلس در زمینه‌های قانون‌گذاری، نظارت و شایسته‌سالاری باید با همان نوع رایزنی‌ها انجام شود. رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی افزود: برازنده مجلس انقلابی این نوع رایزنی‌های گروهکی نیست و عقیده این‌جانب بر بازگشت به روش مشورت جمعی نمایندگان و استفاده از خرد جمعی است. آنچه تاکنون انجام گرفته و البته نتایج بسیار درخشانی نداشته، زاییده رویه به‌ارث‌رسیده از دوره قبلی است و باید با همفکری نمایندگان انقلابی مجلس قطعا اصلاح شود. میرسلیم همچنین درباره حواشی رخ‌داده بر سر انتخاب رئیس دیوان محاسبات کشور گفت: ظاهرا در انتخاب رئیس جدید دیوان محاسبات موارد قانونی مراعات شده است؛ اما با توجه به اهمیت وظیفه نظارتی دیوان محاسبات، باید فردی در رأس آن قرار گیرد که از دانش و تجربه متناسب برخوردار باشد و بنابراین عده‌ای در داخل مجلس و به‌ویژه از بیرون مجلس معتقدند شایسته‌ترین انتخاب انجام نگرفته است. وی افزود: از لحاظ روند معرفی نامزدهای ریاست و دادستانی دیوان، اعتراضات و شکایاتی مطرح شده است که به‌موقع با دریافت اسناد، رسیدگی خواهد شد. این روند البته نقطه قوتی برای هیئت‌رئیسه محسوب نمی‌شود، ولی در مجلس انقلابی قرار نیست ما از فواید انتقاد علمی از خود، محروم بمانیم و الحمدلله این آمادگی در اغلب نمایندگان و اکثر اعضای هیئت‌رئیسه وجود دارد.

آدرس غلط جبهه پایداری برای ۱۴۰۰

سَر و سِر فتاح

آیا پرویز فتاح نامزد نهایی اصولگرایان در ۱۴۰۰ است؟ آیا شانس او از دیگر رقبا بیشتر است و ۹ ماه مانده به انتخابات بر سر او اجماعی رخ داده است؟

«میدل‌ایست» در مقاله‌ای به پیروزی احتمالی «پرویز فتاح»، رئیس فعلی بنیاد مستضعفان، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ پرداخته و مدعی شده نظرسنجی‌های اخیر در بین اصولگرایان، «فتاح» را در بین چهار کاندیدای مشهور نشان داده و جبهه پایداری به‌عنوان حامی اصلی او مطرح شده است. برخی چهره‌های رسانه‌ای هم مدعی شده‌اند جبهه پایداری به دستور صادق محصولی، وزیر احمدی‌نژاد، کمپین حمایت از فتاح راه انداخته و این به معنی بیرون‌انداختن ضرغامی و جلیلی از دور بازی انتخابات است. فتاح یکی از چهره‌های نزدیک به صادق محصولی، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی دولت احمدی‌نژاد و دوست صمیمی رئیس دولت دهم به شمار می‌رود. چنانچه فتاح خود درباره ارتباطش با محصولی گفته است: «صادق محصولی دوست صمیمی ما هستند و از قدیم بودند. همشهری ما هستند. رابطه ما همان دوستی است؛ اما ایشان دنبال کارهای خودشان هستند».

آیا جبهه پایداری واقعا محور است؟

در ماجرای فتاح به‌وضوح بر نقش جبهه پایداری تأکید می‌شود؛ درحالی‌که سؤال این است که آیا این جبهه به محور برنامه‌ریز جریان اصولگرایی بدل شده؟ درست است که در بزنگاه، اصولگرایان مجبور به باج‌دهی به پایداری‌ها شده‌اند که به زیاده‌خواهی و بازی‌برهم‌زنی شهره‌اند؛ اما در رخدادی مانند انتخاب نامزد نهایی رئیس‌جمهوری، طیف پایداری تک‌خال بازی نیست و در بهترین حالت حامی گزینه‌ای است که می‌داند نظر مثبتی در برخی مراکز قدرت روی آن وجود دارد. اصولگرایی طیف‌های دیگری هم دارد که در تعیین گزینه نهایی اثرگذارند و برآیند یک اجماع نهایی به انتخاب گزینه مدنظر منجر می‌شود؛ اگرچه پایداری‌ها از هرگونه تلاشی برای اثرگذاری استفاده خواهند کرد؛ مثلا در انتخابات ۹۶ که برای انتخاب نامزد دست به رأی‌گیری زدند، لابی پایداری- رهپویان در حذف گزینه‌های دیگر بسیار مؤثر بود. در ضمن در شرایط بدون رقیب یا حضور رقبای کم‌رمق جناح مقابل با شانس کم به دلایل مختلف این احتمال وجود دارد که اصلا اجماعی انجام نشود و ما با تعدد در گزینه‌های نامزدهای اصولگرا روبه‌رو شویم که با هم رقابت کنند. مانند سال ۹۲ که نشان می‌داد بازی به‌تنهایی دست جبهه پایداری نیست. مرور آن انتخابات به‌خوبی این ادعا را تأیید می‌کند. اگر به‌خاطر داشته باشیم، گزینه اول آنها کامران لنکرانی بود که از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شد، بعد به سمت سعید جلیلی رفتند؛ ولی چون باقی روی قالیباف نظر داشتند، رأی‌ها شکست و آنها در نهایت انتخابات را باختند. رد صلاحیت لنکرانی، گزینه نخست جبهه پایداری، یعنی این جریان زمین بازی را نمی‌شناخت یا لابی‌گر خوبی نبود یا نامزد مقبول دیگری نداشت که گزینه نخستش رد شد.

آیا فتاح می‌آید

چرا انگشت‌ها به سمت پرویز فتاح نشانه رفته است؟ او تابه‌حال دو بار در مظان اتهام نامزدی قرار گرفته؛ سال‌های ۹۲ و ۹۶ که هر دو بار با قوت آمدنش را رد کرده بود که همین‌طور هم شد. برخی می‌گویند او شباهت‌هایی به احمدی‌نژاد دارد یا دست‌کم ریاستش بر دو نهاد کمیته امداد و بنیاد مستضعفان و اقداماتش در آنجا می‌تواند دوباره شعارهای عدالت‌محورانه دولت مهرورز سال‌های دور را به ذهن برخی متبادر کند؛ درحالی‌که از برخی جهات عیوب رئیس سابق دولت را هم ندارد و به‌نوعی احمدی‌نژاد عیب‌یابی‌شده است. فتاح ریاست دو نهاد خاص را در این سال‌ها بر عهده داشته؛ دو نهادی که برخی اقدامات در آنها می‌تواند فردی را چهره کند و نامش را بر سر زبان‌ها بیندازد و به‌اصطلاح امکان رأی‌آوری از سبد طیفی خاص از جامعه را افزایش دهد؛ اما دست‌کم در ظاهر دیده نشده که فتاح در این مدت دست به کارهای تبلیغاتی حدس‌زدنی یا ویترینی بزند. از او کمتر رفتارهایی دیده شده که حاکی از بهره‌برداری سیاسی از موقعیتش باشد. چندان اهل سیاسی‌کاری نیست؛ چراکه همان روزهای اولی که به ریاست کمیته امداد رسید، به دیدار هاشمی در مجمع تشخیص مصلحت رفت. فتاح در زمان ریاستش بر وزارت نیروی دولت نهم هم برخلاف دیگر اعضای کابینه دولت احمدی‌نژاد که نگاه جناحی و حزبی درباره عزل و نصب‌های‌شان داشتند، از نیروهای اصلاح‌طلب هم در این وزارتخانه استفاده کرده بود. او هیچ‌گاه در عزل و نصب‌هایش در این وزارتخانه نگاه سیاسی نداشت. در دوران ریاستش در کمیته امداد و بنیاد مستضعفان هم همواره رابطه مطلوبی با دولت داشته و دارد و هیچ‌گاه اظهارنظری علیه دولت یازدهم و دوازدهم نکرده است تا بیانگر اختلاف او با دولت روحانی باشد. او حتی درباره مشکلات اقتصادی نیز همواره موضعش معتدل بود. از سویی دیگر رفتارهایش فاقد آن زیرکی خاص سیاسی است؛ مثل وقتی که با مجری صداوسیما بر سر علت طولانی‌شدن زمان ساخت یک آزادراه بحث کرد و با عصبانیت به او گفت نماینده مردم نیست؛ بلکه صداوسیما او را آنجا گذاشته تا سؤال‌های مشخصی را بپرسد یا زمانی که در یک برنامه دیگر فاش کرد قاسم سلیمانی پول برای پرداخت حقوق نیروهایش را نداشته و از او کمک خواسته است!